

بررسی پیامدهای استفاده کردن یا استفاده نکردن از فرهنگ دوزبانه نزد زبان‌آموزان ایرانی زبان فرانسه

بهروز رهنمای کویان

دانشجوی رشته زبان فرانسه، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

rahnama.behrooz@gmail.com

دکتر پریش صفا

دانشیار گروه زبان فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

safap@modares.ac.ir

واژه‌های کلیدی: فرهنگ دوزبانه، آموزش زبان، زبان فرانسه.

کاربرد فرهنگ‌های دوزبانه در مبحث آموزش زبان‌های خارجی یکی از چالش‌های مهمی تلقی می‌شود که بین متخصصان این حوزه رویکردهای متفاوتی را نسبت به خود ایجاد کرده است؛ همان‌طور که در شیوه آموزشی مستقیم^۱ توصیه می‌شود که مدرسین زبان‌های خارجی بدون ارائه معادل کلمات و عبارات در زبان مادری زبان‌آموزان و با بهره‌برداری از ابزارهای غیرزبانی انتقال معنا را ممکن کنند [پس، ۱۹۹۲: ۳۱]، برخی نیز با الهام از نظریه‌های زبانشناسی بر این باور هستند که در فرآیند آموزش زبان‌های خارجی حتی از فرهنگ لغت هم نباید بهره جست تا زبان‌آموز با توجه به ساختار، شرایط و موقعیت گفتار، خود، معنای واژگان و عبارات را کشف کند [ژرمن، ۱۹۹۳: ۳۳-۳۲]؛ اما از جمله مخالفین این دیدگاه می‌توان به روبرگالیسون^۴ اشاره کرد که استفاده از فرهنگ دوزبانه را از ابتدای فرآیند آموزش یک زبان خارجی پیشنهاد می‌کنند. همچنین، گالیسون در یکی از آثار خود با پرداختن به همین موضوع، مدعی می‌شود که بر اساس کدام اصول و با چه استدلالی می‌توان استراتژی یادگیری یک فرد را زیر سؤال برد؟! [گالیسون، ۱۹۸۳: ۲۵]

¹.Direct method

².Henri Besse

³.Claude Germain

⁴.Robert Galisson

- این تحقیق می‌کوشد تا با توجه به فقدان مطالعه، میزان کارایی فرهنگ‌های دوزبانه نزد زبان‌آموزان ایرانی زبان فرانسه با واکای رویکرد هر یک از متخصصین فوق به سؤالات زیر پاسخ دهد:
- تأثیر فرهنگ‌های دوزبانه در فرآیند آموزشی زبان‌آموزان به چه صورت است؟
 - استفاده کردن یا استفاده نکردن از فرهنگ‌های دوزبانه بین سطوح مختلف زبان-

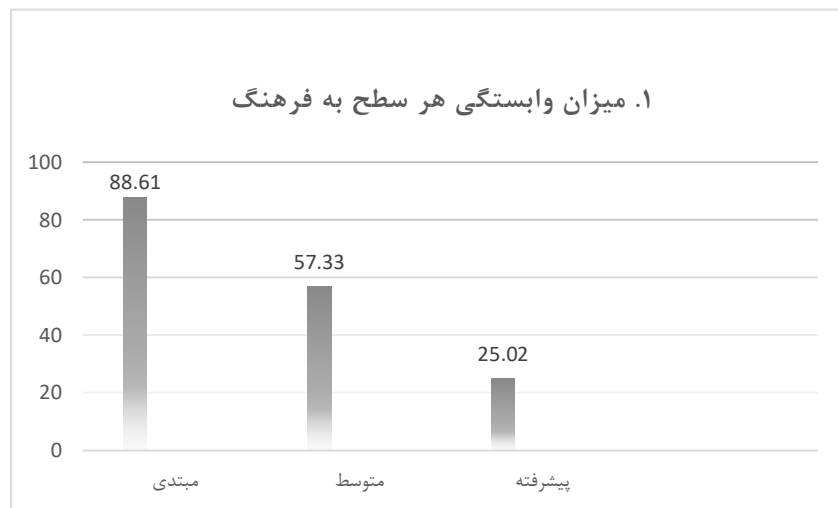
آموزان چه نتایجی را به دنبال دارد؟

جامعه آماری ما از ۲۴۰ نفر زبان‌آموز زبان فرانسه در آموزشگاه‌های زبان کانون زبان ایران، سفیر، چیت‌سازان و مراد تکرو (در شهرهای تبریز و تهران) تشکیل شده است که در قالب ۶ کلاس و با سطوح مبتدی، متوسط و پیشرفته تقسیم شده است. لازم به ذکر است که این جامعه آماری به دو گروه مجزا تفکیک شده تا پیامدهای استفاده کردن یا استفاده نکردن از فرهنگ‌های دوزبانه را در فرآیند آموزش زبان فرانسه بررسی کند. در گروه اول، زبان‌آموزان، مجاز به استفاده از فرهنگ دوزبانه هستند و در گروه دوم منع استفاده از آن وجود دارد. این نکته را هم باید خاطر نشان کرد که پیکره متنی مطالعه‌شده بر پایه نتایج نهایی ترم و مشاهدات ثبت‌شده مدرسین استوار شده است.

بهره‌برداری از فرهنگ دوزبانه

در گروه نخست که امکان استفاده از فرهنگ دوزبانه در فرآیند آموزشی وجود دارد، نتایج به‌دست‌آمده برای سطوح مختلف متفاوت خواهد بود؛ سطح مبتدی در قیاس با دو سطح دیگر تمایل بیشتری برای استفاده از فرهنگ نشان می‌دهد و این امر باعث شده تا زبان‌آموز، ساختار، شرایط و موقعیت گفتار را نادیده بگیرد. در واقع، ۸۸/۶۱ درصد از افراد مبتدی از مواجهه با انبوه کلمات جدید هراسان می‌شوند و فرهنگ لغت برای آن‌ها به منزله اسلحه‌ای است در برابر این هجمه واژگان؛ بنابراین، اکثریت زبان‌آموزان این سطح، با ترجمه کلمه به کلمه برای کشف معانی و یادگیری زبان سعی می‌کنند و غالباً در درک مطلب، توانایی شنیداری، تولید گفتاری و نوشتاری با مشکل مواجه هستند؛ ۵۷/۳۳ درصد از سطح متوسط نیز خود را وابسته به فرهنگ لغت می‌دانند و این امر کنش زبانی آنان را نیز در مقایسه با سایر هم‌سطح‌های خود که به ساختار و شرایط گفتار هم اهمیت می‌دهند، تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما در سطح پیشرفته، این احساس نیاز به فرهنگ کم‌رنگ‌تر جلوه می‌کند، به طوری که فقط ۲۵/۰۲ درصد از این زبان‌آموزان وجود آن را الزامی می‌دانند یا در صورت نیاز به فرهنگ‌های یک‌زبانه مراجعه می‌کنند. در نتیجه مشاهده می‌شود که زبان‌آموزان این سطح حتی در تشخیص معنای واژه‌های جدید، از بافت^۱ و شرایط گفتار بهره می‌برند که در بیشتر مواقع هم موفقیت‌آمیز است؛ نمودار زیر میزان وابستگی هر سطح به فرهنگ لغت و نسبت به یکدیگر را نمایان می‌کند:

۵. مفهوم بافت (context)، عموماً، مجموعه نام‌گذاری‌های برون‌زبانی موقعیت‌های ارتباط را نشان می‌دهد که تولیدات کلامی یا غیر کلامی در آن جای دارند [رحمتیان و مهرابی، ۱۳۹۲: ۸۶].



بهره‌برداری نکردن از فرهنگ دوزبانه

اما دربارهٔ گروه دوم، انتظارات از مدرس در مراحل اولیهٔ تدریس بیشتر خواهد بود و وی متحمل زحمات فیزیکی و فکری قابل‌توجهی خواهد شد؛ زیرا مجبور خواهد بود بدون ارائهٔ مستقیم معنی واژه، آن را به زبان‌آموز انتقال دهد؛ بنابراین، مدرس از شیوه‌هایی نظیر استفاده از ژست و حرکات، اشاره به اشیای کلاس و استفاده از تصاویر، زبان‌آموزان را به این مسیر سوق خواهد داد تا معنی واژگان را حدس بزنند. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، ۳۴ درصد از افراد سطح مبتدی در حدس زدن معنی درست واژگان دچار اشتباه شده‌اند که این موضوع موجب رسوب معنی نادرست در ذهن زبان‌آموز نیز خواهد شد و مدرس را با مشکلات دیگری روبه‌رو خواهد کرد. افراد مبتدی این گروه حتی در قیاس با گروه اول در درک مطلب و توانایی گفتار و نوشتار ضعیف‌تر بودند و فقط از لحاظ شنیدار برتری نسبی داشتند. در سطح متوسط و پیشرفته با اینکه کشف معنی راحت‌تر بود، اما گاهی زبان‌آموز در تشخیص معنی دچار تردید و خطا هم می‌شد. اگر این دو سطح را در تقابل با زبان‌آموزان هم‌سطح گروه اول قرار دهیم، باید اعتراف کنیم که گروه دوم از لحاظ درک مطلب، تولید گفتار و شنیدار برتری داشته و افراد گروه اول تنها در توانایی نوشتار رجزان داشتند.

نتیجه‌گیری

رویکردهای متمایزی نسبت به کارایی فرهنگ‌های دوزبانه نزد صاحب‌نظران حوزهٔ آموزش زبان‌های خارجی حاکم است. با این حال، این‌طور به نظر می‌رسد که اهمیت فرهنگ‌های دوزبانه در فرآیند آموزش انکارناپذیر است. درحقیقت، بهره‌برداری نکردن از فرهنگ‌های دوزبانه در سطوح متوسط و پیشرفته تأثیر چشمگیری داشته است؛ زیرا این امر باعث می‌شود زبان‌آموزان بر ساختار، بافت و شرایط گفتار تمرکز بیشتری داشته باشند و معنی واژگان جدید را غالباً درست حدس بزنند؛ اما زبان‌آموزان سطح مبتدی

نه تنها در تشخیص معنی واژگان دچار مشکل و خطا می‌شوند، بلکه احتمال دلسردی و رسوب اشتباهات نیز قوت می‌یابد؛ در نتیجه، استفاده از فرهنگ در سطوح ابتدایی توصیه نمی‌شود و زبان‌آموز فقط زمانی مجاز به این کار خواهد بود که حداقل دانش زبانی لازم را از زبان خارجی کسب کرده باشد. همچنین، لازم به ذکر است که زبان‌آموز مبتدی نباید هرگز خود را به ترجمه کلمه به کلمه زبان مقصد محدود کند؛ زیرا معنای خام ارائه‌شده توسط فرهنگ لغت نه تنها دارای بسامد و نحوه به‌کارگیری خاصی است، بلکه برحسب شرایط و موقعیت گفتار نیز شکل کاربرد آن تغییر می‌کند.

References

منابع

۱. رحمتیان، روح‌الله؛ مهربانی، مرضیه (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی اصطلاحات آموزش زبان، تهران: سمت.
2. Besse, H. 1992. Méthodes et pratiques des manuels de langue, Paris: CREDIF Didier
3. Galisson, R. 1983. Des mots pour communiquer, Paris: Clé.
4. Germain, C. 1993. Le point sur l'approche communicative en didactique des langues, Québec: Centre Educatif et Culturel inc.